

یک تحلیلگر مسائل منطقه در رابطه با شرایط و تحولات خاورمیانه و انتخاب شیخ نعیم قاسم به عنوان دبیرکل حزب... گفت: انتخاب دبیرکل حزب... روندی است که به منظور بازسازی حزب... آغاز شده است. به نظر من، کادرهای مؤثر و شایسته‌ای از حزب... به شهادت رسیدند. طبیعتاً حزب... به سمت بازسازی خود پیش رفته است. در روش‌های قبلی، همواره مشخص بوده که در صورت شهادت هر فرمانده‌ای، چه کسی مسئولیت را به عهده خواهد گرفت. حسن بهشتی پور افزود: به همین دلیل، اختلال چندانی در روند فعالیت‌های حزب... ایجاد نشد. مبارزه با تجاوزات زمینی اسرائیل نشان می‌دهد که حزب... همچنان محکم ایستاده و اجازه نداده که اسرائیلی‌ها در جنوب لبنان پیشروی کنند. به هر حال آن‌ها برتری هوایی دارند و با تجهیزات مختلفی که آمریکایی‌ها در اختیار اسرائیل قرار داده‌اند، این جنایات را بدون محدودیت ادامه می‌دهند. به طور همزمان در غزه نیز وضعیت مشابهی وجود دارد. وی افزود: در ارتباط با ایران، به نظر می‌رسد که آمریکا ملاحظاتی را در نظر گرفته است تا بازار نفت دچار اختلال نشود. افزایش قیمت نفت به دلیل اختلال در صادرات نفت ایران می‌تواند شوکی به بازار وارد کند و قیمت بنزین را بالا ببرد؛ این موضوع، فاکتور مهمی در انتخابات آمریکا است. همان‌طور که در سال ۱۹۹۱، افزایش قیمت نفت و بنزین موجب شکست بوش پدر در مقابل کلینتون شد. این‌هم ناشی از حمله آمریکا به عراق در سال ۱۹۹۱ بود. بنابراین، آمریکا نمی‌خواست شاهد یک جنگ فراگیر باشد؛ نه به خاطر ایران بلکه به دلیل منافع خود، نمی‌خواست اثرات آن تا بعد از انتخابات به چشم بیاید. باید یاد دید که بعد از انتخابات چه رفتارهایی انجام خواهد شد. این تحلیل‌گر مسائل منطقه در رابطه با پاسخ احتمالی ایران، تصریح کرد: به نظر من ایران برای پاسخ دادن عجله نمی‌کند. رهبری هم فرموده‌اند که نه تعلل می‌کنیم و نه تعجیل. ایران توجه دارد که اسرائیل پشتش به تجهیزات آمریکایی‌گرم است و انواع سلاح‌های کشتار جمعی، هواپیماهای مدرن، موشک‌ها، راکت‌ها و بمب‌ها را در یک سال گذشته در اختیار اسرائیل قرار داده‌اند. این موضوع به نوعی فرصتی برای آزمایش سلاح‌های آمریکایی به شمار می‌رود؛ چراکه آمریکایی‌ها تاکنون پدافند تادار یک جنگ جدی، آزمایش نکرده‌اند. وی اظهار کرد: کمپانی‌های تولیدکننده سلاح در آمریکا نیز به دنبال این فرصت‌ها هستند. به تازگی گزارشی معتبر منتشر شد که نشان می‌دهد یکی از این کمپانی‌ها در یک سال گذشته بیش از ۱۶ میلیارد دلار سود خالص داشته است. این کمپانی‌ها به دنبال جنگی کنترل شده هستند و نمی‌خواهند جنگی فراگیر برپا شود که صنایع نفتی و دیگر صنایع را دچار خسارت کند. به نظر من، ایران متناسب با امکانات خود و امکانات طرف مقابل، تصمیمات صحیحی اتخاذ می‌کند.

حمایت از اسرائیل

بهشتی پور در رابطه با نقش دیپلماسی در تغییر شرایط منطقه، بیان کرد: دیپلماسی ایران دقیقاً با میدان همراه و همگام است. فعالیت‌های دیپلماتیک آقای عراقچی که در فاصله کوتاهی از ۱۱ کشور دیدن کرد، نشان دهنده تبیین سیاست‌های ایران برای طرف مقابل است. او به درستی توضیح داده که ایران به دنبال چه اهدافی است و بر صلح طلبی خود تأکید کرده است. اما این به معنای این نیست که از دفاع در برابر دشمن خودداری کند؛ دفاع حق مشروع هر کشوری است. به نظر می‌رسد که ایران همزمان با بررسی وضعیت میدان، اقدام دیپلماتیکش را انجام می‌دهد و منتظر نتیجه میدان نخواهد بود. این سیاست باید ادامه یابد و ایران باید سیاست خود را تبیین کند و همچنین به کسانی که با دشمنان ایران متحد می‌شوند، هشدار دهد. در نهایت، ایران ناگزیر است که در هر دو بعد نظامی و دیپلماتیک به پیشرفت خود ادامه دهد. وی با اشاره به انتخابات آمریکا تصریح کرد: آمریکایی‌ها در سیاست کلان خود که تحت عنوان استراتژی ایالات متحده در خاورمیانه شناخته می‌شود، با محوریت اسرائیل حرکت می‌کنند و اسرائیل به عنوان ستون مهم سیاست آمریکا در این منطقه قرار دارد. بنابراین، هر رئیس‌جمهوری، اعم از اینکه «هریس» باشد یا «ترامپ»، قطعاً از اسرائیل حمایت خواهد کرد. این به معنای آن نیست که هیچ تفاوتی بین ترامپ و هریس وجود ندارد؛ چراکه این دو در تاکتیک‌ها با یکدیگر تفاوت دارند. به قول دیپلمات‌ها، جزئیات تأثیر زیادی بر تصمیمات دارند و ما باید به این جزئیات و تفاوت‌های تاکتیکی توجه کنیم تا بتوانیم با آن‌ها تقابل یا تعامل کنیم. بهشتی پور اظهار داشت: در مورد ترامپ، نکته‌ای که وجود دارد این است که او واقعا غیرقابل پیش‌بینی است. این فرد چه در چهار سال ریاست جمهوری و چه پس از آن در تبلیغات انتخاباتی، به وضوح نشان داده که اصولاً بر مبنای نرم‌های جهانی و منطقی فکر نمی‌کند و به هیچ سیاستی نمی‌توان اعتماد کرد. حتی نمی‌توان به دقت بررسی کرد که حرکت او به کدام سمت خواهد بود.

درهین

آیا سعودی‌ها می‌توانند محور امنیت منطقه باشند؟

خاورمیانه در ترازوی استراتژیک واشنگتن

اوایل سال جاری، ایالات متحده و عربستان سعودی به امضای یک معاهده دفاعی دوجانبه نزدیک شده بودند. شرایط توافق تا حد زیادی تعیین شد، اما امضای رسمی آن در بحبوحه درگیری‌های کنونی در خاورمیانه به تعویق افتاد. تحلیلگران غالباً این معامله را جز یک پازل بزرگ‌تر می‌دانند. از زمان حمله حماس در ۷ اکتبر، تنش‌ها در خاورمیانه اوج گرفت. این توافق بالقوه یکی از عناصر پروژه‌ای است که هدفش آرام کردن منطقه است. آتش‌بس در غزه به سعودی‌ها فرصت می‌دهد تا در ازای دریافت تضمین امنیتی از ایالات متحده، آمریکا و اسرائیل راه‌به‌شکل کشور فلسطین متعهد کرده و مسیر را برای عادی‌سازی روابط شان هموار کنند. اما اکنون که «فاران‌افز» نوشته، چنین نگاهی به توافق آمریکا و عربستان نادرست است. علاوه بر این توافق با ریاض موجب خواهد شد تا در درازمدت، ایالات متحده در منطقه محدود نشود، با این همه برای فعالیت در سایر حوزه‌ها نیز آزادی عمل بیشتری داشته باشد. این توافق موجب می‌شود تا قدرتمندترین دوستان واشنگتن با این کشور در باب بحران‌های جهانی چون قدرت چین هم صدا شوند.

پیمان دفاعی با ریاض

گروه اندکی در واشنگتن رویکرد در زیر سوال می‌برند، رویکردی که بر مبنای آن ایالات متحده باید تمرکز خود را بر اقیانوس هند و اقیانوس آرام افزایش داده و همزمان تمرکزش بر خاورمیانه را کاهش داده است. منطقه‌ای که کانونی شده برای کاهش منابع آمریکا. با این حال، این مبادله تنها در صورتی برقرار می‌شود که خاورمیانه اهمیت متوسطی در رقابت ایالات متحده با چین داشته باشد یا استراتژی امنیت ملی ایالات متحده را به سان بازی حاصل جمع صفر بدانییم که در آن سیاست‌گذاران صرفاً قطعات خود را از یک منطقه به منطقه دیگر انتقال می‌دهند. در واقع، خاورمیانه برای منافع ایالات متحده و چین بسیار مهم است. آشفتگی سال گذشته نشان می‌دهد که توجه ایالات متحده به منطقه بیوهه نپوده است. بلکه نشان می‌دهد که آمریکا حتی اگر بخواهد نیز نمی‌تواند منطقه را نادیده بگیرد، علاوه بر این واشنگتن برای تأمین منافع خود به یک استراتژی جدید و پایدارتر نیاز دارد. یک معاهده دفاعی دوجانبه با عربستان سعودی ممکن است واکنشی غیرعادی به نظر برسد، زیرا ممکن است ظاهراً زمینه را برای تعمیق حضور آمریکا در خاورمیانه فراهم کند، اما در صورت موفقیت آمیز بودن معاهده دفاعی ایالات متحده و عربستان، بخش عمده‌ای از بار مشکلات منطقه بر دوش شرکای ایالات متحده می‌افتد، نفوذ چین محدود شده و شرکت در مسیر تلاش‌های تحت رهبری ایالات متحده برای مقابله با چالش‌های جهانی و تثبیت هنجارهای ترجیحی هم صداتر خواهند شد. چنین معاهده‌ای سه مزیت استراتژیک بالقوه به همراه خواهد داشت. اولاً، عربستان سعودی و ایالات متحده را نزدیک‌تر کرده و یکی از مهم‌ترین شرکای ایالات متحده در خاورمیانه را مستحکم می‌کند. تضمین ارائه شده در معاهده ایالات متحده و عربستان، تضمین امنیتی-دفاعی است. اما چنین معاهده‌ای همکاری بین دو کشور را در زمینه‌های حساس با فناوری پیشرفته مانند هوش مصنوعی و زنجیره‌های تأمین مرتبط و همچنین دسترسی عربستان به فناوری‌های دفاعی ایالات متحده تسهیل می‌کند. همکاری در زمینه فناوری فرصت‌های چین در این حوزه‌ها را محدود و همکاری‌های متداول‌تری را در حوزه فناوری و تثبیت هنجارها و شیوه‌های ترجیحی واشنگتن برای حفظ حريم خصوصی داده‌ها و تنظیم و انتقال فناوری رقم می‌زند، گزاره‌ای که با توجه به وزن اقتصادی و مالی عربستان سعودی به طور بالقوه گسترش آن در سراسر خاورمیانه ممکن خواهد شد. علاوه بر این، این معاهده به عربستان سعودی و منطقه در مدیریت و حل بحران‌ها بدون دخالت گسترده ایالات متحده کمک می‌کند. عربستان سعودی در حال حاضر یکی از بزرگ‌ترین خریداران تسلیحات آمریکایی و سایر کشورهای غربی در جهان است. اما این اتکا بیشتر به یک مسئولیت استراتژیک برای واشنگتن تبدیل شده است. با وجود شرکای در صف اول فروش تسلیحات، حتی اگر ریاض پیشاپیش و بدون کمک هزینه کند، دشوار است، مگر اینکه قصد استفاده از این سیستم‌ها را برای پیشبرد منافع متقابل با ایالات متحده داشته باشد. به عنوان مثال، فروش یک گلوله یاجت بیشتر به تایوان یا اوکراین، برای منافع ایالات متحده با اهمیت‌تر از ارسال اهرم‌هایی به شریکی است که از آنها استفاده نمی‌کند یا نمی‌تواند استفاده کند. در دنیایی که بار دیگر تنش‌ها بین قدرت‌های بزرگ شعله‌ور شده، مشخصات استراتژیک به اندازه محاسبه مالی فروش تسلیحات مهم است.

هدف پیمان واشنگتن

از منظری دیگر باید گفت، تحقق معاهده میان ایالات متحده و عربستان راه‌براری یکپارچگی امنیتی شرکای ایالات متحده در خاورمیانه هموار خواهد کرد. احتمالاً معاهده دفاعی ایالات متحده و عربستان سعودی، زمینه را برای تبادل‌ات و تمرین‌های نظامی مکرر هموار خواهد کرد و ایالات متحده را قادر می‌سازد تا اصلاحات مهم عربستان را که هدف آن تبدیل ارتش این کشور به یک نیروی جنگی مدرن است، شکل دهد. عربستان سعودی در زمان محمد بن سلمان اراده بیشتری نسبت به گذشته برای نشان دادن قدرت و نفوذ خود-در عملیات نظامی در یمن-نشان داد، اما توانایی‌ها و برنامه‌ریزی استراتژیک این کشور با جاه‌طلبی‌هایش مطابقت ندارد. در نتیجه، برخی در غرب از عربستان سعودی فاصله گرفته‌اند. در همین راستا باید گفت که توسل به رویکرد مؤثرتر، مشارکت کاری نزدیک‌تر را ایجاد می‌کند که می‌تواند جاه‌طلبی‌های عربستان را به سمت اهداف مشترک هدایت کند. ایالات متحده بدون شک امیدوار است که مشارکت رسمی دفاعی با سعودی‌ها به عنوان پایه و اساس هماهنگی چندجانبه در حوزه روابط دفاعی ایالات متحده در خاورمیانه در قیاس با پیمان‌هایی که این بازیگر تاکنون با شرکای منطقه‌ای کوچک‌تر (اما هنوز حیاتی) امضا کرده، باشد. این روند با توافق ابراهیم آغاز شد و قبلاً منجر به همکاری شده است. مانند مانورهای نظامی تحت حمایت فرماندهی مرکزی ایالات متحده و فرمان اسرائیلی و عرب راگرد هم آورده است.

سناریوی ۲۴

اما سناریوی ۲۴ که نامش بر اساس سریال ۲۴ است، عدم آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و عدم حل مساله بین ایران و اسرائیل بوده که سناریوی محتمل‌تری است، چراکه آتش‌بس بین اسرائیل و حماس به گونه‌ای صورت می‌گیرد که اسرائیل موجودیت حماس را به رسمیت بشناسد. این به رسمیت شناختن موجودیت با توجه به هفتم اکتبر از طرف اسرائیل رخ داده است. از طرف دیگر اسرائیل اعلام کرده برای سرزمین‌های موجود در غزه برنامه‌های جدیدی دارد و ثبت نام از شهرک‌نشین‌های جدیدی را آغاز کرده است. پس آتش‌بس بین اسرائیل و حماس تا حدود زیادی یک نگرش تقلیل‌گرایانه و استفاده از وضعیت سیاسی برای مدیریت منازعه تلقی می‌شود. از طرف دیگر عدم حل مساله میان ایران و اسرائیل محتمل‌ترین وضعیت پیش‌رو می‌شود. هر دو سوی ماجراست. لذا می‌توان با صراحت بیشتری اظهار کرد که توافق در دو بستر کنونی حاصل نمی‌شود. هم شاهد تشدید درگیری‌ها در غزه و دیگر نقاط خواهیم بود و هم ادامه حمایت از گروه‌های مقاومت. این سخن به معنای آن است که به موازات افزایش تنش و بحران در غزه، با هم روبه‌رو خواهیم بود.

پاسخ ایران؛ بازدارنده

اینکه ایران سخت‌تر از دو عملیات صادق عمل خواهد کرد یا نه، با توجه به سناریوهای مطرح شده، می‌توان پیش‌بینی کرد که پاسخ داده خواهد شد اما تهران بهتر از دیگران متوجه وضعیت فعلی و خطراتی است که ممکن است کشور را تهدید کند. یکی از موارد تلاش رژیم صهیونیستی برای شکل دادن ائتلاف بر ضد تهران است. مقامات کشورمان اخیراً از شکل گرفتن یک ائتلاف جهانی علیه تل‌آویو سخن گفته‌اند. سوال مهمی که در این بین وجود دارد این است که چطور می‌توان از گسترش تهدید علیه ایران جلوگیری کرد. در صورتی که کشورهای متخاصم با ایران به سرکردگی آمریکا علیه کشورمان ائتلاف تشکیل دهند، آیا در مقابل اتحادی در اطراف ایران توسط چین و روسیه شکل خواهد گرفت؟ اگر بپذیریم که چنین مواجهه‌ای صورت خواهد گرفت، در آن صورت، مقدمه گسترش تنش نه تنها در ابعاد منطقه‌ای بلکه در ابعاد بین‌المللی خواهد بود. پس آنچه باید بدان توجه کرد این است که هر کدام از این سناریوها که پیامدهای مختلفی داشتند می‌توانند تأثیر گسترده‌ای روی منطقه و جهان داشته باشند امکان تحقق سناریو چهارم نسبت به سه سناریو دیگر وضعیت را بسیار مخاطره‌برانگیز نشان می‌دهد. اگر ایران با بازدارندگی بالایی با اسرائیل برخورد کند، در برابر آن رژیم صهیونیستی هم دنبال زدن ضربه خواهد بود. شاید چنین تصویری وجود داشته باشد که توانایی زدن ضربه سنگین ندارد اما رفتار آمریکا در منطقه نشان داده که این رژیم از حمایت همه‌جانبه آمریکا برخوردار است. اتحادیه اروپا و آمریکا اکنون به توافق نانوشتند در برابر تهران دست یافته‌اند. در سوی دیگر چین و روسیه با چالش‌های متعددی مواجه هستند و هنوز نشان ندادند که آیا حاضرند هزینه بیشتری برای تهران بپردازند یا نه؟ باید گفت اگر پاسخ ایران بازدارنده نباشد به نفع اسرائیل تمام خواهد شد و اگر بازدارندگی قابل قبولی داشته باشد، اسرائیل سراغ جلب کمک کشورهای دیگر خواهد رفت تا بتواند با قدرت ایران مقابله کند. اینجاست که تصمیم‌گیری در ارتباط با هر اقدامی مهم خواهد بود.

پیچیدگی و سادگی توأمان

مسائل بین ایران و آمریکا در عین پیچیدگی ساده هم به نظر می‌رسد. از آن جهت ساده است که این مواجهه نبردی معنا دار و تعریف شده در سیر زمان بوده که با توجه به جهت‌گیری‌های ایدئولوژیک شکل گرفته و از این زاویه وضوح ایده‌نولوژیک دارد. انقلابیون ۵۷ رویکردی ضد صهیونیستی داشته‌اند. نگاهی که در طول زمان با خود حمل کرده و اکنون آشکارتر شده است. از طرف دیگر در بین صهیونیست‌ها هم آن بخشی که رویکردی تند و رادیکال و منطقه‌گسترانه دارد، در اسرائیل فعال هستند و لذا رو در رویی راگزیرناپذیری نمی‌نماید. نکته این است که این مواجهه ساده جلوه می‌کند اما در باطن پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. پیچیدگی که ناشی از مسائل خاورمیانه، در ارتباط با مسائل بین‌المللی و نیز با توجه به مسائل داخلی هر دو کشور شکل گرفته است. به بیان دیگر ما شاهد هستیم که نوعی تنش با پیچیدگی خاص وجود دارد. از یکسو تل‌آویو تحت تأثیر ویژگی‌های خاص خود از منظر تکنولوژی، حمایت‌های آمریکا و اروپا، در کناری تفاوتی‌های منطقه‌ای و منطق فشار در جهت عمق بخشیدن به تحریم‌ها علیه تهران است. از سوی دیگر تهران هم ویژگی‌هایی دارد که در چند مورد موجب برتری چشمگیر ایران در برابر رژیم اسرائیل شده است. جغرافیای بسیار گسترده، نیروی انسانی بسیار بزرگ و توانمند و از منظر برخورداری از نیروی انسانی-نظامی به ایران مختصاتی بخشیده که برای تل‌آویو بسیار چالش برانگیز خواهد بود. در چارچوب این معنا باید گفت که جنگ‌های سایه‌وار بین تهران و تل‌آویو از دهه‌های گذشته ادامه دارد. با جنگ نامتعادلی که آغاز شد، پرونده هسته‌ای ایران را بروز و ظهور بیشتر بخشید تا به واسطه تبلیغات وسیع در مطرح کردن آن، قدرت ایران را به تهدیدی برای نظم منطقه‌ای و امنیت نظام بین‌الملل معرفی کند. تبلیغات وسیع صهیونیست‌ها در منطقه به ایران هراسی و سپس تهران هراسی تبدیل شد. به گونه‌ای که امروز کشور با تهدید مواجه شده است. اگر بخواهیم به جنگ غزه و احتمال آتش‌بس در این زمینه توجه کنیم باید به سناریوهای مختلفی هم توجه داشته باشیم.

ضد واقعه ۷ اکتبر

در مرحله نخست اسرائیل دنبال آتش‌بس موقت است. او آتش‌بس دائمی را نمی‌خواهد، چراکه وضعیت فعلی را فرصتی برای ضربه زدن به حماس می‌داند که آن را نیروی نیابتی می‌داند. این رژیم در همان ساعات اولیه بعد از درگیری در هفتم اکتبر اعلام کرد که این جنگ، جنگ دامنه‌داری خواهد بود و از نظر من یک ضد واقعه است. به اعتقاد من از همان ابتدا روشن بود که تل‌آویو قصد دارد تنش را گسترش داده و به مناطق دیگر بکشد و هدف نهایی را تهران در نظر گرفته بود و اکنون این امر مشخص شده است.

انفجار شگفتی

در بررسی سناریوهای احتمالی در جنگ مینیاتوری، با توجه به متغیری به نام غزه و احتمال آتش‌بس با دو عدم قطعیت روبه‌رو هستیم، آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و مساله مواجهه تهران و تل‌آویو. در مجموع می‌توان چند سناریو را در نظر گرفت، یکی از این سناریوها، سناریوی انفجار شگفتی است. آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و حل مساله ایران و اسرائیل، این دو جنبه، جنبه بسیار مثبت و شگفتی‌سازی هستند، چراکه هر دو با عدم قطعیت روبه‌روست. نه آتش‌بس بین اسرائیل و حماس

اینکه ایران سخت‌تر از دو عملیات صادق عمل خواهد کرد یا نه، با توجه به سناریوهای مطرح شده، می‌توان پیش‌بینی کرد که پاسخ داده خواهد شد

به سهولت دست یافتی است و از آن مهم‌تر حل مساله ایران و اسرائیل هم به آسانی امکان‌پذیر نیست. نه اسرائیل و حماس به سادگی توافقی می‌کنند و نه کشته‌های تنش بین ایران و اسرائیل آسان به دست می‌آید، چه رسد به حل این مسائل! اگر این سناریو یعنی سناریو انفجار شگفتی رخ دهد، می‌توانیم شاهد کاهش خشونت‌ها در منطقه، امکان بازسازی و توسعه در غزه و مناطق دیگر، بهبود شرایط در غزه و افزایش همکاری‌های بین‌المللی برای توسعه و بازسازی آن باشیم. اینها پیامدهای سناریو انفجار شگفتی است.

عشق یک طرفه!

سناریو بعدی، سناریو عشق یک طرفه و عاشق تنهاست و منظور از آن آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و عدم حل مساله ایران و اسرائیل است. این را عشق یک طرف باید دانست. اسرائیل و حماس در وضعیتی قرار می‌گیرند که آتش‌بس بین آنها برقرار می‌شود اما تنش‌ها بین ایران و اسرائیل همچنان ادامه خواهد داشت. از سوی دیگر باید توجه داشت که بلافاصله بعد از کاهش خشونت‌ها در غزه، احتمال بازگشت تنش‌ها وجود خواهد داشت به دلیل افزایش حمایت‌های نظامی و اقتصادی از حماس و تداوم تهدیدهای منطقه علیه رژیم صهیونیستی نتایج این سناریو تلقی می‌شود که به راحتی نمی‌توان از آن گذشت.

سناریو بهت بزرگ

سناریو سوم، سناریوی بهت بزرگ است، عدم آتش‌بس با حماس از یکسو و حل مساله بین ایران و اسرائیل از سوی دیگر. این سناریو در برابر سناریو اول بهت برانگیزتر و شگفتی‌آفرین‌تر است. اینکه بین اسرائیل و حماس آتش‌بس نباشد، اما تنش بین ایران و اسرائیل کاهش یابد، از سناریو اول نیز دست نیافتنی‌تر است. اگر سناریو نخست، سناریوی شگفتی بزرگ بود، سناریوی سوم، سناریوی بهت بزرگ خواهد بود. آتش‌بس بین اسرائیل و حماس برقرار نمی‌شود، اما تنش‌ها بین اسرائیل و ایران کاهش می‌یابد. این هم دور از دسترس است و نتایج آن می‌تواند به افزایش درگیری و خشونت در غزه، افزایش تلاش‌های بین‌المللی برای میانجی‌گری و برقراری آتش‌بس و کاهش حمایت نظامی و مالی از حماس باشد.

در جنگ مینیاتوری، با توجه به متغیری به نام غزه و احتمال آتش‌بس، با دو عدم قطعیت روبه‌رو هستیم، آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و مساله مواجهه تهران و تل‌آویو. در مجموع می‌توان چند سناریو را در نظر گرفت، یکی از این سناریوها، سناریوی انفجار شگفتی است. آتش‌بس بین اسرائیل و حماس و حل مساله ایران و اسرائیل، این دو جنبه، جنبه بسیار مثبت و شگفتی‌سازی هستند، چراکه هر دو با عدم قطعیت روبه‌روست. نه آتش‌بس بین اسرائیل و حماس